

## طبقه چهارم، پناه مهربانی

طبقه چهارم بیت الزهرا<sup>(س)</sup>، به نام «خیر وبرکت» سند خورده است. اینجا پناهگاه کسانی است که در وانقاسای روزگار، دنبال دستی برای گشودن گره هایشان می گردند.

راضیه میکائیل زاده، از مددکاران قدیمی این مرکز، روایتگر بیست سال خدمت در این طبقه است. او که روزگاری معاون پرورشی مدارس بوده است، در میان کلاس های درس این مجموعه، وقتی داشت تحصیلات حوزوی نیمه تمامش را تکمیل می کرد، دلش درگیر کارهای خیر اینجاشد. او از روزهایی می گوید که مدیریت مجموعه، چشمش را بر درد های پنهان شهر نمی بست. از کودکانی می گوید که در آغوش پدر و مادری گرفتار اعتیاد، در فقر مطلق غرق بودند و آینده شان در هاله ای از دود و سیاهی گم شده بود، اما پیگیری های قانونی بیت الزهرا<sup>(س)</sup>، مسیر زندگی آن ها را تغییر داد. میکائیل زاده، داستان های تلخ و شیرین بسیار را در این خانه به چشم دیده و آن ها را در دفترچه خاطراتش ثبت کرده است. او تعریف می کند: شانزده سال پیش، دختر بچه ای پنج شش ساله که پدر هشتاد ساله و مادر هجده ساله اش تصمیم به فروشش داشتند، با پیگیری های بی وقفه خانم شریف الحسینی، به آغوش مادری سپرده شد که در حادثه ای همسر و فرزندانش را از دست داده بود. امروز آن دختر در بهترین مدارس درس می خواند و بی تردید آینده ای روشن پیش رو دارد.

این مجموعه حالا دیگر ساختار مند شده است. از توزیع بسته های معیشتی و قربانی های ماهیانه گرفته تا تأمین نوشت افزار، لباس و کفش برای دانش آموزان خانواده های نیازمند در آستانه ماه مهر و مهیا کردن شیرینی و میوه برای عید نوروز، کمک هایی که با نظارت بهزیستی و استانداری هدمند تر شده است.

به گفته جزایری امروز چهار مددکار، با دقت و وسواس، مسئولیت راستی آزمایی و تحقیق درباره پرونده های مددجویان را بر عهده دارند و بیش از چهار صد خانواده از گوشه و کنار مشهد و حتی شهرستان های اطراف، چشم به یاری دارند.

## «دختران یاس»: جایی که رؤیاهای نوجوانانه شکوفامی شود

در طبقه سوم مجموعه فرهنگی بیت الزهرا<sup>(س)</sup>، شور و هیجان در بالاترین سطح خود قرار دارد. فضایی آموزشی سرگرمی تحت عنوان «دختران یاس» که برای دختران هفت تا هفده ساله تدارک دیده شده است. اینجا تنها یک بخش آموزشی سرگرمی نیست، بلکه جایی است که در آن هنر، دانش و اخلاق در هم می آمیزد.

لعبه رضایی که مدیریت این بخش از مجموعه آموزشی بیت الزهرا<sup>(س)</sup> را بر عهده دارد، می گوید: در مجموعه دختران یاس از کلاس های فن بیان گرفته تا آموزش های هنری، روان شناسی و نشست های اخلاقی، همگی در راستای یک هدف طراحی شده اند: ساختن شخصیتی پویا و آگاه در مادران فردا. او که ۲۲ سال قبل وقتی فرزندش را به مهد قرآن آورده بود با این مرکز آموزشی آشنا شد، ابتداء برای گذران وقت تا اتمام کلاس فرزندش، پای درس اساتید تفسیر نهج البلاغه، اخلاق و احکام می نشست؛ بعد به طور رسمی دانشجوی این مرکز شد. او بعد اتمام تحصیلات نتوانست دل از این خانه بکند و ماند تا او هم چون بقیه، بی هیچ چشمداشتی خدمتی در این خانه کرده باشد.

رضایی از همایش های صمیمی «مادر و دختر»، که بخشی از برنامه های ویژه دختران یاس است، می گوید که ماهی یک بار برگزار می شود و بسیار از آن استقبال می شود.

اما این مسیر پرشکوه، مدیون ریشه های عمیقی است که با عشق کاشته شد. مدیر بخش دختران یاس با یادآوری نام مرحوم مهری صفرزاده، از بنیان گذاران بخش تربیتی این خانه، می گوید: خانم صفرزاده که خود از شاگردان ماندگار این مجموعه بود، پانزده سال قبل با روحیه ای مادرانه و دلسوزانه، وقت خود را وقف تربیت دینی و اخلاقی نوجوانان کرد. میراث او تنها کلاس های آموزشی نیست، بلکه استادان و معلمان است که امروز در بهترین مدارس شهر و خود مجموعه بیت الزهرا<sup>(س)</sup> خدمت می کنند. اگرچه سرطان، او را چند ماه پیش از ما گرفت، روح مهربانش در تار و پود این کلاس ها جاری است.

به گفته رضایی، استقبال پر شور دختران به ویژه در فصل تابستان گواهی بر روشنی این مسیر است؛ خانواده ای بزرگ که اکنون بیش از هفتصد عضو در فضای مجازی آن راهمراهی می کنند تا در کنار هم، مسیر رشد را طی کنند.



## مسیری که از یک جست و جوی مادرانه تا طلبگی گره خورد

سکوت سنگینی طبقه سوم بیت الزهرا<sup>(س)</sup> را فرا گرفته است؛ همان جایی که در هیاهوی تابستان، گویی زمان در کلاس های درس و بحث طلبه ها متوقف شده است. فاطمه آسیایی، مسئول آموزش این مجموعه، از مسیری می گوید که بیست سال پیش، نه با یک تصمیم بزرگ، که با یک جست و جوی ساده مادرانه آغاز شد.

او که آن روز به دنبال مهد کودکی برای فرزند سه ساله اش بود، هرگز تصور نمی کرد این خانه قرار است تقدیرش را دگرگون کند. آسیایی که به تازگی در رشته روان شناسی در دانشگاه آزاد ثبت نام کرده بود، چنان مجذوب فضای معنوی و محیط امن و زنانه این مجموعه شده بود که از خیر ادامه تحصیل در رشته مورد علاقه اش، روان شناسی گذشت و مسیر زندگی اش را به سمت طلبگی تغییر داد.

امروز او در مقام مسئول آموزش بیت الزهرا<sup>(س)</sup> از پذیرش سالانه شصت طلبه داوطلبی می گوید که بی دغدغه آزمون های دشوار، پایه این حریم می گذارند تا در پناه نام حضرت زهرا<sup>(س)</sup> مسیر رشد و تعالی را طی کنند. آسیایی که پس از فارغ التحصیلی، به درخواست مدیریت مجموعه در بخش اداری مشغول به کار شد، اینجا را نه یک محل کار، که موهبت الهی و برکتی می داند که زندگی اش را راسخ کرده است. او از فضای صمیمانه ای که در طبقه سوم و این بخش از فضای آموزشی برقرار است، می گوید و ادامه می دهد: صبح راضیه های ما با ورزش صبحگاهی و حرکات اصلاحی شروع می کنند و بعد به سر کلاس درس می روند. وجود کافی شاپ در همین طبقه و کتابخانه دوم از ظرفیت های خوب برای دوره می های علمی دانشجویان به شمار می رود.

## ضیافت نور و کلمه در پناه «بیت الزهرا»<sup>(س)</sup>

در طبقه دوم، معماری بنا با پنجره های دل باز و اتاق های پر نور، حس رهایی و آرامش را به آدمی القامی کند؛ جایی که کتاب هادر قفسه ها با نظم خاص و تماشایی، راوی بیش از سی سال تلاش و عشق اند. راضیه جزایری که گویی حافظه زنده این مجموعه است، با بخند می گوید که بیست سال خدمت را در خود دارد. از روزهایی می گوید که کتابخانه فعلی تنها چند جلد کتاب اهدایی در یک بوفه کوچک بود. حالا اما آن بوفه به گنجینه ای با بیش از ۱۰ هزار جلد کتاب تبدیل شده است؛ از زمان های پر کشش تا متون تاریخی و سیاسی که چشم هر جست و جوگری را خیره می کند. اینجا با توفیق آرام دختران دانشجوی و طلبه است؛ پناهگاهی دنج برای فرار از هیاهو و غرق شدن در سکوت مطالعه.

اما آنچه این کتابخانه را متمایز می کند، تنها کتاب هایش نیست؛ بلکه فرهنگ بخشنده است. خادمان اینجا، سالی دوبار قفسه ها را زیر و روی می کنند و نسخه های تکراری و مازاد را به کتابخانه های مساجد و مناطق حاشیه شهر هدیه می دهند تا نور دانایی، تنها در این راهرو محبوس نماند و در دورترین نقاط شهر نیز بتابد.

جزایری در حالی که جعبه کتاب های اهدایی را جابه جایی می کند، از استقبال دختران جوان و دانشجویان برای استفاده از سالن مطالعه کتابخانه می گوید: مراجعانی که سال هاست از قاسم آباد و مهدی آباد و امام هادی<sup>(ع)</sup> به این کتابخانه می آیند. او یکی از دلایل مهم این حضور را محیط امن و اختصاصی برای بانوان می داند.



مام رضایی این خانه بود. «این را الهه رضایی و من و همراه همیشه مادر در این خانه است. من دمتری شروع شد، با حیاطی وسیع و استخر از حضور همسایه ها و هم محله ای های دور برود چند ساعت زود تر از شروع مراسم، خانه صله، حیاط را فرش می کردیم تا فضای کافی

ساده بود. مادر در خواب دیده بود که خانه می کنند. مادر بزرگ که خود مادر شهید است، سطره چهارشنبه های امام رضایی تعبیر کرد. فاقات دنیوی کننده شود و تصمیم بگیرند آنجا

لسطین، آن خانه مسکونی به یک پایگاه برای ثبت نام در مهد الرضا<sup>(ع)</sup>، کلاس های بود که بنای قدیمی دیگر پاسخگو نبود. الهه یک جایی نظارت بر احداث بنای جدید را می گوید؛ شش سالی که با همه فراز و نشیب ها نه تنها تعطیل نشد، بلکه در ساختمان پر شورتر از قبل ادامه یافت.

رسبز به ساختمان هشت طبقه تبدیل شده بی بانیانش را محقق کرده است.

راه می گوید و تمام دارایی خانواده که وقف ت. او و مادر از وقتی تصمیم به گسترش گرفته اند، دار و ندارشان را وقف این خانه لایلی است که استادان و مربیان و خادمان دداشتی به نیت شاد کردن دل صاحب نام

